

هنر پیراسلامی

نظرات انتقادی گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی

صادق رشیدی



۱۳۹۶

هنر پیراسلامی

تحلیل انتقادی گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی

نویسنده: صادق رشیدی (مدرس دانشگاه علم و فرهنگ، جهاد دانشگاهی)

چاپ نخست: ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده‌سازی: انتشارات علمی و فرهنگی
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
حق چاپ محفوظ است.



انتشارات علمی و فرهنگی

آرام‌کوی و مرکز پخش

خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، تهران، حقایق (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۳۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۸۷۵

تلفن: ۷۰-۸۸۷۷۲۵۶۹؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲

تلفن مرکز پخش: ۲۹-۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفن: ۴۵-۸۸۶۷۷۵۴۴

www.elmifarhang.ir

www.ketabgostar.com

info@elmifarhang.ir

info@ketabgostar.com

سرشناسه: رشیدی، صادق، ۱۳۵۹ -

عنوان و نام پدیدآور: هنر پیراسلامی: تحلیل انتقادی گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی / صادق رشیدی.

مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: سیزده، ۲۱۳ ص:؛ مصور: ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۶-۲۸۹-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص: [۱۹۹] - ۲۰۹.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: تحلیل انتقادی گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی.

موضوع: هنر اسلامی -- فلسفه

Islamic art -- Philosophy موضوع:

شناسه افزوده: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۵۸۹/۵۶۲۶۰

رده‌بندی دیویی: ۷۰۹/۱۷۶۷۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۵۲۶۹۸۸

فهرست مطالب

پیش‌گفتار.....هفت

مقدمه.....نه

روش‌شناسی پژوهش.....پانزده

فصل اول: شکل‌گیری گفتمان هنر اسلامی.....۱

۱-۱. هنر اسلامی، پیامد گفتمان شرق‌شناسی.....۱

۲-۱. تاریخ‌نویسی در هنر و هنر اسلامی.....۱۱

۳-۱. روش‌شناسی مطالعات هنر اسلامی: رویکردی انتقادی.....۲۱

فصل دوم: گفتمان‌های مسلط در مطالعات هنر اسلامی.....۳۲

۱-۲. گفتمان توصیفی - تاریخی (تاریخ‌گرایی).....۳۹

۱-۱-۲. تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی (انور الرفاعی).....۴۹

۲-۱-۲. هنر اسلامی (باربارا برند).....۵۰

۳-۱-۲. هنر اسلامی (ارنست کونل).....۵۱

۴-۱-۲. تاریخ هنر اسلامی (کریستین پرایس).....۵۲

۵-۱-۲. هنر اسلامی (روبرت ایروین).....۵۴

۶-۱-۲. هنر اسلامی (آنت هاگدورن و نوبرت ولف).....۵۷

۵۸.....	۷-۱-۲. هنر اسلامی: گذشته و مدرن (نوزहत کازمی)
۵۹.....	۸-۱-۲. هنر و معماری اسلامی (شیلا بلر و جانانان بلوم)
۶۲.....	۹-۱-۲. هنر و معماری اسلامی (ریچارد اتینگهاوزن و الگ گرابار)
۶۴.....	۱۰-۱-۲. هنر و معماری اسلامی (رابرت هیلن برند)
۶۹.....	۲-۲. گفتمان حکمی - عرفانی (سنت گرای)
۸۴.....	۱-۲-۲. سفسطه‌های تفسیری
۹۷.....	۳-۲. روش‌های خوانش و پژوهش هنر در کشورهای اسلامی
۹۹.....	فصل سوم: تحلیل انتقادی گفتمان
۹۹.....	۱-۳. گفتمان
۱۱۱.....	۱-۳-۱. رویکرد نورمن فرکلاف در تحلیل گفتمان
۱۱۳.....	۲-۳-۱. رویکرد تئون ون دایک در تحلیل گفتمان
۱۲۰.....	۳-۳-۱. نمونه گفتمان ارنستو لاکلا و شنتال موف
۱۳۰.....	۲-۳-۲. رویکرد تحلیل انتقاد گفتمان در مطالعات هنر اسلامی
۱۴۲.....	۳-۳-۱. بازنگری در "گوشه‌های تحلیلی فرکلاف"
۱۶۳.....	فصل چهارم: نشانه‌شناسی
۱۶۳.....	۱-۴. نظریه نشانه‌شناسی
۱۶۶.....	۴-۱-۱. نشانه‌شناسی انتقادی
۱۶۷.....	۴-۱-۲. نشانه‌شناسی فرهنگی
۱۶۹.....	۴-۲. رویکرد نشانه‌شناسی در مطالعات هنر اسلامی
۱۷۹.....	فصل پنجم: گفتمان هنر پیرااسلامی
۱۷۹.....	۵-۱. نظریه گفتمان هنر پیرااسلامی در فضای نشانه‌شناختی فرهنگ
۹۱.....	نتیجه‌گیری
۱۹۹.....	فهرست منابع
۲۱۱.....	نمایه

پیش‌گفتار

مطالعات هنر اسلامی، برای کسانی که با این حوزه آشنا نیستند، در ابتدا ممکن است منجر به استنباط‌های صرفاً ایدئولوژیک شود. در حالی که امروز هنر اسلامی به رغم سال‌ها بردنش و حتی حساسیت‌هایی که به نظر می‌رسد در حواشی آن وجود دارد، یک امر جدی‌ترین حوزه‌های پژوهشی در کشورهای مهم دنیاست. واقعیت این است که ورود من به این حوزه و پژوهش و مطالعه در مورد آن، هرگز از اهداف خاص یا وابستگی‌های نهادی ناشی نمی‌شود، بلکه دغدغه‌های نظری و تحقیقاتی من در مقطع دکتری و آشنایی با عناوین مشابه، که ذیل گفتمان هنر اسلامی قرار می‌گیرند، به ویژه بحث تاریخ‌نویسی و نگرش‌های سنت‌گرایان در این حوزه، نیز جامع بودن نگاهم در حوزه مطالعات نظری هنر و همچنین گرایش به سبک مطالعات انتقادی، موجب شکل‌گیری پرسش‌هایی شد که می‌بایست به دنبال پاسخ دادن به آن‌ها و نیز حل و فصل مسائلی می‌رفتم که مسائل بسیاری دیگر از پژوهشگران و دانشجویان داخلی و خارجی در این عرصه است. در واقع مادامی که با نوشته‌ها، کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با هنر اسلامی مواجه می‌شدم، نخستین چالش‌ها و پرسش‌های من این بود که این‌ها چه می‌گویند؟ به دنبال چه هستند و چرا برای اثبات آن چیزی که نیست به سفسطه و انتزاع‌گرایی و سوپراکتیویسم شبه فلسفی پناه برده‌اند؟

چرا همه یکسان می‌اندیشند، به یک شیوه می‌نویسند و مکرر و مدام حرف‌ها و بحث‌های خود و پیشینیان را تکرار می‌کنند؟ مقوله‌ها و مسائل غیرمرتبط را با توجیهات هیجانی و احساسی و با پیش کشیدن گفتمان‌های اعتقادی به همدیگر ربط می‌دهند، به راستی نتیجه این همه سفسطه و خیال‌بافی‌هایی که اساساً هیچ نقشی در تولید نظریه و پیشرفت معرفت و دانش‌های نوین در دانشگاه‌های ما ندارد چیست؟

در نهایت با آگاهی از چالش‌ها و موانعی که در مسیر این پژوهش پیش‌بینی می‌کردم، تصمیم گرفتم که نظریه‌ها و گفتمان‌های مسلط در این حوزه را مورد بازخوانی و نقد قرار دهم که عمری است بی‌هیچ هدف روش‌مندی می‌یابند و ذهن دانشجویان ما را به سمت سستی، عرفان‌مآبی و فقدان تفکر انتقادی و به حاشیه راندن عقلانیت مدرن و روش‌های جدید پژوهش بر سرتیغ دهاند و البته نقش مهمی هم در جهت تقویت بنیان‌های نظری و توسعه زمینه‌ها و اهداف علمی کشور نداشته‌اند.

در پایان این پیش‌گفتار لازم است از استادان گرانقدری که در فرایند این پژوهش، راهنمای نه‌پایانده به دهاند از کمک‌های آنان بهره‌های فراوان برده‌ام قدردانی و تشکر نمایم که مهدی پوررضاییان، استاد دانشگاه شاهد، دکتر مهناز شایسته‌فر و دکتر محمد خزایی که از متخصصان مطالعات هنر اسلامی هستند، دکتر غلامعلی حاتم، استاد باستان‌شناسی و تاریخ هنر، دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی، استاد تاریخ هنر و زیبایی‌شناسی، دکتر علی‌اصغر فهیمی‌فر، دکتر محسن مراثی، دکتر علی‌اصغر ساداتی، استاد تحلیل گفتمان، و قدردانی ویژه از دکتر فرزانه سجودی که نسخه نهایی کتاب را مورد مطالعه قرار دادند و نویسنده را از نظریات و راهنمایی‌هایشان بهره‌مند ساختند. همچنین از انتشارات علمی و فرهنگی، به خصوص حیات، دکتر مسعود کوثری، مدیر آن مجموعه‌ ارزشمند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

صادق رشیدی

تهران، تابستان ۱۳۹۵

مقدمه

با توجه به گسترش مطالعات نظری در حوزه هنر اسلامی و توجه پژوهشگران و محققان به این رشته دانشگاهی، پرداختن به سیر تحول و تطور شیوه‌های پژوهش در هنر اسلامی برای آشکار ساختن شکاف‌ها، چالش‌ها و کاستی‌های موجود در این عرصه و مقایسه و تطبیق نظریه‌ها و دیدگاه‌ها نسبت به هنر اسلامی اهمیت و ضرورت‌های قابل توجهی دارد. این پژوهش بر آن است تا با مطالعه و بررسی سیستم‌های خوانش و پژوهش در هنر اسلامی و همچنین تحلیل آرا و نظریات پژوهشگران و تحلیلگران، این فرایند را با رویکرد انتقادی مورد مطالعه قرار دهد. از سویی دیگر دغدغه توجه به جنبه‌های مختلف هنر اسلامی در روزگار معاصر و نیز بررسی توانایی‌ها و ناتوانی‌های مطالعاتی این حوزه، در ارائه و معرفی و شناخت آن، ضرورت توجه به این مسئله را دوچندان می‌کند؛ زیرا به نظر می‌رسد نگاه برخی از مورخان و کسانی که در قلمرو هنر اسلامی به شکل نظری فعالیت می‌کنند، نگاهی صرفاً توصیفی و گذشته‌نگر است که گفتمان هنر اسلامی را در حد یک مقوله به تاریخ پیوسته تقلیل می‌دهند. بنابراین اگر مراجعه به تاریخ هنر اسلامی بر شناختی عمیق از ویژگی‌ها و حدود قابلیت‌های آن مبتنی نباشد، مشکلات و مسائل مربوط به مطالعات نظری هنر اسلامی را بیشتر خواهد کرد. از این رو بررسی و مطالعه فراز و

نشیب‌های سنت مطالعات هنر اسلامی (که محصول گفتمان شرق‌شناسی است) یک مسئله پژوهشی مهم محسوب می‌شود. امروزه مطالعات موزه‌ای و کتاب‌خانه‌ای، که بیشتر هم متکی بر همان تحقیقات محققان غربی است، روزه‌های دیدگاه‌های انتقادی و جدید را بر روی محققان معاصر ما بسته است و متأسفانه دستاوردهای فرهنگی‌ای که سرآغاز آن به قرن‌های پیشین برمی‌گردد، در قالب نوشتارهای توصیفی، با عنوان هنر اسلامی معرفی می‌شود و به رغم تمامی ادعاهایی که در این باب وجود دارد و به رغم انبوه مقالات و کتاب‌هایی که در باب هنر اسلامی به صورت توصیفی و کاتالوگ‌وار نوشته شده‌اند، اما نظریه‌پردازی و مطالعات انتقادی و بین‌رشته‌ای در این بین بسیار محدود و کم‌رنگ است. در این نسبت، ارتباط عمیقی بین هنر اسلامی، تحقیقات هنر اسلامی و جامعه وجود ندارد و هنر اسلامی را به پاره‌ای از تحقیقات سنت‌گرایانه، عرفانی و احسان‌محیط و محدود نموده‌اند که با واژگان شبه فلسفی و پیچیده نیز توجیه شده است. در واقع ضعف اصلی، در فقدان مطالعات واقع‌بینانه و انتقادی در دانشگاه است. اکثر تحقیقاتی هم که تا کنون به انجام رسیده تکرار همان روش‌های شرق‌شناسی محققان غربی است که نخستین آغازگران مطالعه در این حوز، بوده‌اند. روش آن‌ها همان اظهار نظرهای کلی و زیبایی‌شناختی، با ادبیاتی بغض‌ناپذیر، گزارشی است که در جای خود لازم، اما فرع و نقطه شروع آشنایی با هنر اسلامی است. اما مانع اصلی و چالش‌برانگیز در حوزه مطالعات هنر اسلامی، دیدگاه‌های انتزاعی سنت‌گرایان است که تفکر، ذهنیت و مواضع پژوهشگران جوان را به سمت سستی، خنثی‌شدگی و درویش‌مسلكی سوق می‌دهد. قدرت انتقاد و استدلال و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی در این قلمرو مطالعاتی را از آن‌ها سلب می‌کنند و با اسطوره‌ای جلوه دادن نظریه‌ها و نوشتارهای متعدد حکمی و عرفانی، و نیز تقدس‌گرایی‌های افراطی، فضایی را ایجاد کرده‌اند که گویی هنر اسلامی از جمله قلمروهای غیر قابل تغییر و تحول است. بنابراین امروز به رویکردهای انتقادی اجتماعی - فرهنگی در مطالعات هنر اسلامی نیاز بیشتری داریم. اگرچه اذعان دارم که فقدان منابع مکتوب تاریخی از جانب هنرمندان دوران گذشته بر ابهامات و

مسائل در پیش روی ما افزوده است، با این حال با نگاهی تحلیلی و تخصصی می‌توان به تکمیل و برطرف کردن نقاط ضعف و مشکلات تحقیقات قبلی اقدام کرد.

در این کتاب، بحث‌ها و تحلیل‌های ما مبتنی بر نظریه‌ها و رویکردهای انتقادی است. برخی از رویکردهای نظری مهم که در ارتباط با تحلیل انتقادی گفتمان قرار می‌گیرند مبنای این پژوهش را تشکیل می‌دهند، مانند نظریهٔ گفتمان لاکلاو و موف، نظریهٔ تحلیلی فرکلاف، نظریهٔ نشانه‌شناسی فرهنگی نشانه‌شناسی انتقادی. در تحلیل انتقادی گفتمان، تحلیلگر می‌تواند با روش‌ها و رویکردهای مختلفی به مطالعهٔ موضوع بپردازد، اما چون در اینجا موضوع اصلی، هنر اسلامی و شیوه‌های پژوهش در این حوزه است، بنابراین نزدیک‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌های انتقادی انتخاب شده‌اند. در حقیقت هنر اسلامی از نظر پدیدارشناسی، سطور، گفتمان کلان محسوب می‌شود و نقد دیدگاه‌های مورخان و بررسی‌های هنر اسلامی نیز آشکارکنندهٔ گفتمان‌های نظری در مواجهه با هنر اسلامی است.

یکی از هدف‌های مهم این پژوهش، معرفی یک روش‌شناسی متفاوت و سازگار با ویژگی‌های گفتمان هنر اسلامی است که بتواند جایگاه هنر اسلامی و تاریخ‌پژوهی در این قلمرو را در شرایط کنونی و در بستر چالش‌های پژوهشی معاصر تبیین نماید و از سبب این روشی روشن در مقابل رویکردهای سنت‌گرایانه ارائه دهد. به همین دلیل، ما به گونه‌ای داشت که از منظر انتقادی برای شناختن هر اثر هنری، به جای آنکه بر راه‌های بی‌سرانجامی چون انس و همدلی‌های درون‌گرایانه و احساسی با اثر تأکید کنیم، بهتر است آن را با نظریه‌های انتقادی مورد بررسی قرار دهیم و بدین طریق با آشکارسازی لایه‌های پیچیدهٔ متن‌ها، گامی متفاوت در تبیین این حوزهٔ مطالعاتی برداریم.

توجه به جنبه‌های قدسی هنر دست‌کم تا به امروز مبانی علمی مشخصی نداشته و بیشتر به صورتی ذهنی و برداشت‌های سلیقه‌ای بیان می‌شوند، که سعی می‌کنند مفاهیم زیبایی‌شناختی و عنوان هنر اسلامی را به نفع خویش مصادره کنند. این در حالی است که در دل بررسی هنر اسلامی به روش ماهیت‌گرایانه، محدودیت‌ها و اشکالات

بارزی همواره به چشم می‌خورد، بنابراین نباید به گونه‌ای وارد عمل شد که ویژگی‌های ساختاری، شکلی و زیبایی‌شناختی صورت‌های هنری را نادیده گرفت. این مسائل از جمله موارد قابل بحث در این پژوهش است. از سویی دیگر مصداق‌های قدسی و ساحات معنوی هنر اسلامی تا حدودی در معماری مساجد و تزئینات وابسته به آن‌ها، که آشکارا کارکردهای مشخصی داشته‌اند، بیشتر قابل بررسی هستند و نه در مورد همه شاخه‌های هنری که به لحاظ تاریخی در قلمرو تمدن اسلامی قرار می‌گیرند. به همین دلیل اگر نگاه ما به هنر اسلامی گفتمانی باشد، می‌توان روش‌شناسی جامع و انتقادی‌ای به منظور مطالعه آن تهیه و تا رین نام آن را «فرایند مطالعاتی» آثار هنری دوران اسلامی برای مطالعه آثار هنری و سازه‌های دلالتهای محسوب می‌شوند که حاوی ارجاعات فرهنگی، اجتماعی و زیبایی‌شناختی دوران خود هستند. به همین دلیل یکی از نظریه‌های مورد استفاده در تحلیل شیوه‌های رایج در مطالعات هنر اسلامی، نشانه‌شناسی انتقادی و فرهنگی است. یکی دیگر از مواردی که در این فرایند قابل توجه است، پرداختن به تعریف متفاوتی از هنر اسلامی است. در حقیقت شیوه‌های ارزش‌نویسندگی در این پژوهش از همین جا آغاز می‌شود و بنابراین با نگاهی انتقادی به تعاریف و رویکردهایی که چرستی هنر اسلامی را تبیین کرده‌اند، موضع انتقادی روشنی در این خصوص اتخاذ خواهیم کرد. همچنین در تبیین جایگاه هنر در دوران پس از اسلام، باید مناسبت بین اسلام و هنر را مورد توجه قرار داد، آیا صفت اسلامی، صرفاً جهت یک مرزبندی فرهنگی بوده است یا مشخصات و مختصات آثار هنری به واقع اسلامی هستند؟ اگر مورد دوم صحت داشته باشد، نقش قدرت و ایدئولوژی در تولید آثار هنری چگونه بود؟ چرا مورخان غربی به رغم به کار بردن صفت اسلامی، هیچ اشاره‌ای بعضاً به چگونگی بازتاب ویژگی‌های اسلامی در آثار هنری نداشته‌اند؟ و سؤالات دیگری که ممکن است برای محققان این حوزه قابل طرح باشد. بنابراین ما در حوزه مطالعات نظری هنر اسلامی، ابتدا باید موضع خود را در مقابل این اصطلاح مشخص کنیم و سپس به فرایند مطالعه و تحقیق بپردازیم. این‌ها مسائلی هستند که در خلال بحث‌ها به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

و از همین طریق چالش‌ها و شکاف‌های موجود مورد توجه قرار خواهند گرفت. همچنین به این مسئله پرداخته خواهد شد که اگر نگاه تحلیلی در فرایند پژوهش‌های مربوط به هنر اسلامی وجود دارد، این تحلیل‌ها با چه شیوه‌هایی همراه بوده‌اند؟ آیا تحلیل‌ها لزوماً توصیفی بوده‌اند یا نمادشناسانه و زیبایی‌شناختی؟ با توجه به مسائل مطرح‌شده در این کتاب، با رویکرد انتقادی، کوشش خواهد شد تا زمینه‌های شکل‌گیری یک نظریه جدید در مطالعات هنر اسلامی مهیا شود و نیز با در نظر گرفتن تحولات نظری و علمی در شرایط کنونی، و همچنین دگرگونی‌های اجتماعی و فرهنگی در دوران معاصر، روش‌شناسی مناسبی با توجه به گستره‌ی بعبارت پییده موضوع هنر اسلامی تدوین نمود.